
زائر افسون شده

نیکالای لسکوف

مترجم

حمیدرضا آتشبرآب



نسترمای

تهران

۱۳۹۶

مقدمه‌ی مترجم

پیش از هر چیز باید بگویم که به عقیده‌ی من این داستان آن‌چنان درهم تنیده است که تفسیر آن نه تنها ساده‌ترش نمی‌کند، بلکه به پیچیده‌تر شدن آن نیز دامن می‌زند. با این‌که می‌دانم چشم‌دوانیدن از پی قلم ناپخته و سرگردان چه ملال و مصیبتی است، سعی دارم آن‌چه را در ذهنم می‌گذرد به اختصار و ترتیب بیان کنم. باشد که خواننده‌ی آگاه از لغزش‌ها درگذرد.

زبان ادبی لسکوف دارای ویژگی‌هایی است که حتا در زمان حیاتش — که بیش از یک سده از آن می‌گذرد — در قیاس با زبان ادبای بزرگی وقت، نیاز مبرمی به توضیحات و تفاسیر داشت. این توضیحات یا به صورت مقدمه‌ی ویژه‌ی هر داستان و یا به شکل پانوشته‌های کوتاه می‌آمد.

لسکوف، خود از جنبه‌ی بکر و کم‌نظیرِ واژه‌سازی‌اش کاملاً آگاه بود و در زائر افسون‌شده نیز چندین بار در پی ذکر واژه‌های نادر و ترکیبات لغوی نوین خود در متن داستان، ناگزیر، به ارائه‌ی توضیحاتی پرداخته است. حتا امروزه هم با وجود آشنایی گسترده‌ی خوانندگان معاصر روسی با زبان لسکوف، ناشران روسی آثار وی ارائه‌ی توضیح و پانوشته را — به میزان متوسط یک تذکر برای هر صفحه‌ی کتاب — اجتناب‌ناپذیر می‌دانند. از این‌رو می‌توان گفت که علت تعجب احتمالی خوانندگان فارسی‌زبان در برخورد با معادل

فارسی بعضی از عبارات و واژه‌های لسکوف، مشابه همان عللی خواهد بود که همواره تعجب خوانندگان روس را نیز برمی‌انگیخته است. برای خوانندگانِ متخصصِ شیوه‌های مختلف ادبی نیاز چندانی به توضیحات مترجم وجود ندارد، اما برای خوانندگان معمولی که از ابتدای همین اثر مخاطبِ لسکوف می‌شوند، پاره‌ای از توضیحات می‌تواند طعم و رنگ بیش‌تری به این داستان عمیقاً روسی ببخشد، به‌ویژه که این عبارات و واژه‌های رنگین از بافت نقلی داستان جدا نیست، بلکه بر انگیزه‌های نگارنده هم پرتوی خاص می‌افکند.

از آن‌جا که برخی اسامی خاص و اشارات، منحصراً به فرهنگ روسی قرن نوزدهم مربوط می‌شود، توضیحات مختصری (مانند خود این مقدمه‌ی مترجم) برای بیش‌تر خوانندگان ایرانی داده می‌شود که می‌تواند مفید واقع شود. بدیهی است که در این مقدمه‌ی کوتاه، مترجم در ارائه‌ی توضیحات لازم، تنها به مواردی اکتفا می‌کند که احتمالاً برای خوانندگان ایرانی و یا فارسی‌زبان، از لحاظ شناخت زبان و شیوه‌ی لسکوف مفید و جالب توجه باشد، بی‌آن‌که ادعای تحلیل شیوه‌ی نویسندگی این نویسنده‌ی تکرور را داشته باشد. با این حال یادآوری شرایط محیط و مراحل زندگی لسکوف - اگرچه به‌طور بسیار فشرده - برای درک انگیزه‌ی لسکوف در گزینش شیوه‌ی بیان و ویژه‌ی زائر افسون‌شده از نظر این مترجم ضروری است.

ویژگی‌های خلاقیت ادبی لسکوف از نظر زبان می‌تواند در سه رده‌ی

مکمل هم بررسی شود:

۱. از نظر نوع آثار ادبی یا زائر، لسکوف در برخی از آثار خود حکایت‌ها و روایات سنتی و مردمی روسی را به عنوان الگوی کلی برمی‌گزیند.
۲. از نظر شیوه‌ی بیان، لسکوف اهمیت خاصی به نقل گفتاری می‌دهد.
۳. چهره‌های ادبی لسکوف بیش‌تر به کمک زبانی که خود آن‌ها به کار می‌برند، مشخص می‌شوند.

نوع یا زائر ادبی لسکوف در بسیاری از آثار وی یک نوع روایت